

# تجارت در ایران دگرگون می شود

سؤالانی مکتوب در همین زمینه را به آقای مرتضی الوری تسلیم کردیم. متن سؤالات از این قرار است:

لطفاً نظریه و استنباط خود را از اجرای سیاستهای جدید ارزی دولت در موارد زیر اعلام فرمائید:

۱- تصمیمات کمیته تنظیم بازار آزاد

ارز چه تأثیری بر روند واردات کشور، خصوصاً در زمینه واردات کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه و وسایل یدکی خواهد داشت؟

۲- با توجه به اجبار صادرکنندگان به وارسیز درآمدهای ارزی حاصل از صادرات به سیستم بانکی و ملزم بودن به اینکه یا خود این ارز را به مصرف واردات برسانند و یا آن را به سیستم بانکی بفروشند آیا انگیزه برای صدور کالاهایش نخواهد یافت؟

۳- آیا چنین الزامی در همراهی با ضوابطی چون اجبار به ثبت سفارش در وزارت بازرگانی، گشایش اعتبار از طریق سیستم بانکی، سپردن تعهد برای وارسیز

ارز صادراتی، و دیگر ضوابطی که در یکی دو ماهه اخیر برای واردات اعلام شده مغایر با سیاست آزادسازی اقتصادی نیست. آیا اتخاذ این تدابیر و اجرای آنها را نمی‌توان به عنوان عدول غیرمستقیم از سیاست دروازه‌های باز تلقی کرد؟ و اگر پاسخ به این دو سؤال مثبت است آیا نمی‌توان گفت که اقتصاد کشور اکنون در زمینه آزادسازی اقتصادی دو مسیر متفاوت را می‌پیماید که در یکی از آنها سیاست آزادسازی از طریق فروش کارخانه‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، تعدیل نیروی انسانی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و... جریان دارد، و در دیگری

دخالت دولت در سازوکار بازار (از اعمال نظارت بر درآمدهای ارزی بخش خصوصی گرفته تا نظام کنترل قیمت‌ها)...

اما متأسفانه علی‌رغم وعده مساعدی که آقای الوری دادند تا آخرین لحظات پاسخ‌های ایشان را دریافت نکردیم. در هر حال این ۴ سؤال همان سئوالهایی است که با اقتصاددانان و دست‌درکاران صادرات و واردات در میان گذاشته‌ایم و پاسخ‌های آنها را در سطور و صفحات آتی می‌خوانید.

## صادرکننده سر درگم، واردکننده بلا تکلیف

### بخش دوم:

### دیدگاه‌های صادرکنندگان و تولیدکنندگان

دوران پررونق کسب و کار واردکنندگان - بویژه واردکنندگان کالای لوکس و غیر ضروری - پایان یافته است. در کیش وقتی سراخ لوازم صوتی و تصویری می‌رفتیم خود فروشنده‌ها توضیح می‌دادند که دیگر بردن ضبط صوت و تلویزیون و این قبیل کالاها به آن سوی آب صرف ندارد. یک تلویزیون رنگی ۲۱ اینچ سانپو - آن هم ساخت بازار مشترک - ۹۵ هزار تومان. رقمی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان هم هزینه گمرکی آن خواهد بود.

اما آیا دوران تحرکی که اخیراً در زمینه صادرات کالاهای غیر نفتی ایجاد شده بود نیز سر رسیده است؟ با چند صاحب صنعت که ضمناً دستی در صادرات دارند به گفتگو نشستیم. توضیحاتی داده‌اند که قابل توجه است، اما نمی‌تواند جامع باشد، و این عدم جامعیت هم ناشی از آن است که ضوابط و مقررات جدید پر از ابهام و نارسایی است.

گفتنی است که از بطن همین اظهارنظرها می‌توان به روحیه متزلزل و

عدم اطمینان تولیدکنندگان و صادرکنندگان نسبت به فعالیت‌های آینده پی برد.

مهندس بهروز فروتن مدیر عامل شرکت بهروز (تولیدکننده و صادرکننده مواد غذایی) نظریات خود را پیرامون تحولات مورد بحث چنین ارائه می‌دهد: تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز، از دو دیدگاه قابل بررسی است، نخست اینکه با افزایش روزافزون قیمت دلار که تا مرز ۳۰۰۰ ریال پیش رفت، منطقی‌ترین راه دخالت بانک مرکزی در این بازار تب‌آلود بود، کما اینکه این دخالت منجر به پائین آمدن قیمت دلار شد و قیمت آن را ولو به‌طور موقت تحت کنترل آورد. بانک مرکزی در گذشته نیز چنین دخالت‌هایی کرده بود، اما تأثیر این تصمیم‌گیری‌ها در بعد اجرایی آن قابل بررسی است، و مسلماً این تصمیمات نمی‌تواند در زمینه صادرات و افزایش تولید تأثیر مثبتی داشته باشد به دلایل زیر:

**الف - هیچ تضمینی دال بر توانایی سیستم بانکی کشور وجود ندارد که بانکهای ما بتوانند تأییدیه اعتبارات اسنادی گشایش یافته را از بانکهای ذینفع خارجی اخذ کنند، لاقلاً در ۲ سال اخیر ثابت شده که اعتبارات اسنادی دیداری توسط بانکهای ایرانی با تأخیرهای حتی بیش از**

یکسال مواجه شده است.

در کشورهای خارجی فروشنده‌ها کالا (صادرکنندگان) با ارائه اسناد حمل به بانک مرکزی کشورشان آنها را بلافاصله به پول نقد تبدیل می‌کنند، و این سیستم بانکی آن کشورها هستند که منتظر تأمین وجه می‌مانند.

تأخیرهای طولانی موجب می‌شود که نه تنها شرکت‌های فروشنده بلکه بانکهای خارجی نیز از قبول اعتبارات اسنادی ایران خودداری کنند، این موضوع از عواملی بوده که واردکنندگان کالا را ناچار کرده ارز را به صورت نقد از بازار آزاد تهیه کنند، و این امر افزایش قیمت ارز در بازار تأثیر گذاشته است. وقتی کالاهای ساخت داخل و به‌طور کلی تولید کشور با چنین مشکلاتی برای تأمین ارز مواجه شود مسلماً قیمت تمام شده کالای ساخت داخل نخواهد توانست با قیمت‌های بازار جهانی رقابت کند و همین امر صادرات کشور را زیر سؤال می‌برد.

ب - در تصمیمات اخیر امکان استفاده از مجوز خروج کالا (واریزنامه) توسط اشخاص حقوقی غیر صادرکننده اصلی کالا حذف شده است. به عبارت دیگر اگر صادرکننده کالا وارداتی در قبال صادرات خود نداشته باشد موظف است ارز حاصل از صادرات را منحصراً

به سیستم بانکی کشور بفروشد، آن هم به نرخ کمتر از نرخ بازار آزاد! در نتیجه انگیزه که مهمترین عامل در تولید و افزایش صادرات است از بین می‌رود و بتدریج حجم صادرات کاهش خواهد یافت، و در برابر شغل‌های کاذب و کارهای واسطه‌گری رونق می‌گیرد. چنین شرایطی البته مغایر با آن هدفی است که آن را توسعه صادرات غیر نفتی نام نهاده‌اند و قرار است از طریق آن ۲۱ میلیارد دلار از هزینه‌های لازم برای اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی را تأمین کنند.

### حذف انگیزه صادرات

مهندس جعفر ارضاء دبیر اتحادیه صادرکنندگان محصولات معدنی ایران وابسته به اطاق بازرگانی و صنایع و معادن به «گزارش» گفته است: مقرراتی را که از سوی کمیته تنظیم بازار ارز تدوین شده، زود هنگام و قبل از فراهم آمدن آوردن امکانات اجرایی آن اعلام و اجرا کرده‌اند. راجع به اینکه بانک مرکزی می‌گوید ارز صادرکننده را می‌خریم بحثی نداریم، ولی باید نرخ خرید ارز برای مدتی (حداقل سه ماه) ثابت و به دور از نوسانات باشد تا صادرکننده بتواند روی رقم خریداری شده توسط بانک مرکزی حساب کند، وگرنه اگر هر روز

نرخ اعلام شود، این وضع نمی‌تواند برای ما کارساز باشد.

در اواخر خردادماه سال جاری با حضور آقای دکتر کاشان معاونت بانک مرکزی و در جمع صادرکنندگان نشستی داشتیم که در آن مسائلی مطرح شد.

آقای دکتر کاشان نقطه نظر ایشان را به این شرح به اطلاع رسانند:

۱- با پول حاصل از صادرات، صادرکنندگان می‌توانند واردات داشته باشند.

۲- صادرکنندگان می‌توانند ارز حاصله از صادرات را در بانک به صورت سپرده بپارند و سود معقولی بگیرند.

۳- ارز حاصل از صادرات را صادرکنندگان می‌توانند ۵۰ ریال زیرنرخ بازار آزاد ارز به بانک بفروشند، (نرخ آزاد ارز را بانک مرکزی به بانکها اعلام می‌کند).

۴- صادرکنندگان می‌توانند ارز خود را به صرافها بفروشند. (ولی مهم اینست که در نهایت این ارز از کجا سردمی‌آورد).

۵- صادرکنندگان می‌توانند ارز را نزد خود نگهدارند بطوری که هر وقت لازم شد حواله بانکی مجاز همراه با ارز را ارائه دهند.

در جواب آقای دکتر کاشان گفتیم: اولاً اگر قرار است ارز خود را به سیستم بانکی بفروشیم چرا ۵۰ ریال کمتر از نرخ ارز آزاد باشد. ثانیاً در مصوبه قید شده است ارز حاصل از صادرات باید توسط صادرکننده صرف واردات گردد، که به نظر ما این مورد دست صادرکننده را برای تصمیم‌گیری می‌بندد، و بهتر است صادرکننده، بیشتر فعالیت خود را روی صادرات متمرکز کند تا اینکه قسمتی از وقت خود را برای واردات اختصاص دهد، مگر اینکه خود تولیدکننده باشد و برای نیاز خود واردات انجام دهد.

در آن جلسه ما و معاون بانک مرکزی حرفهایمان را زدیم، ایشان قول داد که این مسائل را به مقامات بانک منعکس کند و حالا منتظریم ببینیم تا نتیجه چه می‌شود؟

اما راجع به تأثیر روند تصمیمات کمیته تنظیم بازار ارز، به نظر من نحوه اجرایی مفاد این مصوبه کارآیی صادرکننده را می‌گیرد و مهمترین فاکتور مؤثر در امر صادرات، یعنی وجود

انگیزه را خودبخود حذف می‌کند. واردات با ارز حاصل از صادرات بخصوص اگر شخص در کار واردات فاقد تخصصهای لازم باشد بازدهی لازم را نخواهد داشت.

### تخصص صادراتی، تخصص وارداتی

مهندس جلال عجایی رئیس هیئت‌مدیره تعاونی تولیدکنندگان گل و گیاه نیز در این زمینه چنین نظر داده

زمینه صادرات نیز نداشتن یک استراتژی مشخص سبب مسدود شدن خط صادرات در رشته‌های مختلف و از دست دادن بازارها و ایجاد مشکلات کلی خواهد شد. اجرای برنامه تنظیم بازار ارز اگر با دقت کافی توأم نباشد سبب بی‌اعتبار کردن صادرکننده، عدم رغبت به صادرات و در نهایت رکود صادرات کالاها می‌گردد. به نظر من یکی از راههای تکامل و افزایش صادرات، دادن آزادی عمل به



رتال جامع علوم انسانی

است: امور تجارت به طور کلی شامل دو بخش عمده است: ۱- صادرات کالا ۲- واردات کالا.

با توجه به تخصصی بودن این دو رشته لازم است کلیه کسانی که در امر صادرات و واردات کالا فعالیت دارند از تخصص و توان کافی و مدیریت لازم در امر بازاریابی و سایر زمینه‌ها برخوردار باشند، بنابراین صادرات و واردات بدون آگاهی قبلی و بدون تخصص‌های رشته‌ای به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نخواهد بود. عدم آگاهی و تخصص، پیامدهائی خواهد داشت که به هرج و مرج در صادرات و واردات بی‌رویه کالاها می‌انجامد.

صادرکنندگان در حد معقول و تنظیم برنامه‌های صادراتی و وارداتی بخش خصوصی است، به طوری که صادرکننده بتواند برای ارز حاصل از صادرات خود شخصاً برنامه‌ریزی کند و کار خود را توسعه دهد. اگر صادرکننده نتواند شخصاً اداره امور خود را در دست بگیرد هیچ رغبتی برای ادامه کار نخواهد داشت. شاهد این مدعا ورود بی‌رویه کالا به کشور در سال‌های بعد از جنگ است، که نتیجه آزادی عمل در زمینه واردات بوده است، زیرا متأسفانه در زمینه واردات ما فاقد یک برنامه مدون بودیم و لذا مقدار زیادی از ارز حاصل از صادرات صرف واردات کالاها می‌گردد.

غیرضروری شد. در صورتی که اگر خوب برنامه‌ریزی می‌شد امکان رسیدن به توازن و تنظیم بازار ارز میسر بود.

بیژن رشیدی - رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان میوه و تره‌بار، گل و نهال ایران - در این رابطه گفته است: از زمانی که بخشنامه جدید ارزی اعلام شده سردرگمی عجیبی - هم برای صادرکننده و هم برای واردکننده - بوجود آمده است. برای آن‌که بدانیم چرا این سردرگمی ایجاد شده لازم است بندهای مختلف این بخشنامه را دقیقاً بررسی کنیم. یکی از مصوبات صحبت از این می‌کند که صادرکننده مجاز به واردات است یعنی در واقع توصیه می‌کند که یک صادرکننده به عنوان یک واردکننده هم عمل کند، در حالی که این دو رشته، مقولاتی جدا از هم هستند و برای انجام هر کدام تخصصی خاص لازم است. گفته‌اند: صادرکننده ارز حاصل از صادرات را به بانک بفروشد، ولی قیمت خرید ارز از صادرکننده را اعلام نکرده‌اند، البته گفته‌اند به قیمت بازار آزاد ارز البته با کسر ۵۰ ریال، صحبت ما اینست که چه شخص یا مرجعی باید قیمت ارز بازار آزاد را تعیین کند؟

در طی همین یک ماه گذشته ما شاهد تفاوت‌های زیادی بین قیمت ارز رسمی با نرخ آزاد آن بوده‌ایم. این نوسانات در بازار آزاد ارز هم دائماً مشاهده می‌شود. مثلاً یک روز صبح قیمت دلار نسبت به بعدازظهر همان روز ۱۰۰۰ ریال تفاوت داشت. بدین ترتیب چگونه می‌توانیم ارز خودمان را به نرخ بازار آزاد آن هم با کسر ۵۰ ریال بفروشیم؟

مسئله مهم دیگر اینست که صادرکننده بتواند زمانی که به بانک اطلاع می‌دهد کالای صادراتی‌اش به مقصد رسیده، و ارز آن به بانک مقصد واریز شده، و دستور انتقال ارز به حساب بانکی او در ایران نیز داده شده است معادل ریالی‌اش را دریافت کند، نه اینکه به بهانه‌های مختلف از قبیل نرسیدن فاکس، نداشتن کد و بوروکراسی‌های جاری معطل بماند. امتیاز صادرکننده در گردش پولش است، او نمی‌تواند معطل بماند و به آسانی اجزای بخشنامه‌های بانک مرکزی را بپذیرد. موضوع مهم دیگر اینست که چون در این مصوبه واردات فقط در مقابل صادرات باید انجام گیرد،

# بانکها دلار را با ضرر خواهند فروخت؟

و دایره واردات هم محدود شده است، در نتیجه کمتر کالائی از خارج به ایران حمل می‌شود. در حال حاضر تعدادی کامیون ایرانی در آلمان و در دیگر نقاط اروپا منتظر هستند تا بار به مقصد ایران فراهم شود تا آن را حمل کنند، بدین جهت هزینه حمل بار افزایش یافته است، اگر مثلاً قبلاً کرایه حمل باری از اینجا به اروپا ۲۵۰ هزار تومان بود در حال حاضر به بیش از ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

به عقیده من این نظریه هم که صادرکننده مجاز به واردات باشد، با توجه به اینکه اغلب صادرکنندگان در زمینه واردات تخصصی ندارند و نمی‌دانند به کدام کشور بروند و چه کالائی را از کجا و با چه قیمتی بخرند، در این میان معاملات صوری آغاز می‌شود، بدین ترتیب که واردکننده و

صادرکننده با توافق شروع به واردات و صادرات می‌کنند که این کار مشکلاتی را بوجود می‌آورد، از همه مهمتر پرداخت میزان مالیاتی است که برای ورود کالا به جنس وارداتی تعلق می‌گیرد، چون این مالیات هنگام ورود کالا به کشور محاسبه نمی‌شود بلکه حدود دو سال بعد در حسابرسی مأمورین مالیاتی تعیین و اخذ می‌شود. در نتیجه سردرگمی، اختلاف، و آشفتگی در کار بازار صادرات و واردات بوجود می‌آید که این امر در نهایت هم به ضرر مصرف‌کننده و هم به ضرر واردکننده و صادرکننده و دولت خواهد بود.

## نظر یک تولیدکننده

فرج‌اله خسروی رئیس هیئت‌مدیره شرکت یزدگل می‌گوید: یکی از عمده‌ترین گرفتارهای ما تغییر و تحول مداومی است که در قوانین و مقررات جاری مملکت، بویژه در مقرراتی که با پول و سرمایه‌گذاری و نقدینگی سروکار دارد، ایجاد می‌شود. همین تغییرات مردم و جامعه صنعتی و تولیدکننده را در کویر بلاتکلیفی، سردرگم می‌سازد و هیچ‌کس نمی‌داند چه باید بکند و چه راهی را برگزیند تا بعداً برایش پشیمانی و

شکست به ارمغان نیاورد. این در حالی است که بخش خصوصی به یک برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد. کاری که بخش خصوصی و مدیر صنعت می‌کند، شباهتی به کار یک دکان بقالی و خرازی ندارد. سرمایه‌گذار صنعتی باید چند سال خون دل بخورد و کار و تلاش کند تا بتواند کارخانه‌اش را به راه اندازد. کارخانه‌ای که معلوم نیست کجا و در چه تاریخی به سوددهی خواهد رسید.

ما، مدتها قبل لوازم و قطعات مورد نیاز صنعت خودمان را خریده‌ایم و همین حالا، توی راه است ولی ناگهان یک روز صبح که از خواب بیدار شدیم دیدیم که مقررات تغییر کرده است.

ناچار دستورات جدید را رعایت کردیم، بیست درصد سپرده را دادیم، تمام پول را هم نقد به سیستم بانکی پرداخت کردیم ولی آنها هنوز به فروشندگان نپرداخته‌اند. در صورتی که بارها اعلام کرده‌اند که با دولت‌ها و کمپانی‌های خارجی برای پرداخت بدهی‌های خودشان به توافق رسیده‌اند. بنابراین نمی‌دانم آیا به این زودی موفق به دریافت و ترخیص کالاهای وارداتی خودمان خواهیم شد یا نه؟ از طرفی، چنین برمی‌آید که

واحدهای تولیدی از این پس برای تأمین مواد اولیه و لوازم یدکی خود باید متکی بر درآمدهای صادراتی خود باشند. و این در حالی است که ما در مورد صادرات، تجربه کافی نداریم. ورود به بازارهای دنیا سرمایه و تجربه بالائی می‌خواهد. از سوی دیگر این را بدانیم که صادرات غیرنفتی به اندازه‌ای نیست که جوابگوی نیازهای ارزی ما باشد، جامعه ما، جامعه‌ای مصرف‌کننده است و تا روزی که جامعه ما به کالاهای صنعتی یا مصرفی، مثل پارچه و ملایم و سیب‌زمینی و پیاز احتیاج دارد، نمی‌توانیم آنها را صادر کنیم، مگر مازاد تولید داشته باشیم. البته تردید نیست که امکانات بالقوه‌ای برای صادرات داریم اما موفقیت در صادرات مشروط بر این است که سیاستهای صادراتی ما، همبای سیاست‌های صادراتی جهان باشد و در این راه دولت و سازمان‌های دولتی می‌توانند ما را آموزش دهند و از فوت و فن صادرات و رقابت با رقیبان آگاه سازند. چون هر چیزی به تخصص نیاز دارد و اینجاست که دولت می‌تواند نقش خود را برای افزایش صادرات ایفا کند. در صادرات راهنمایی و ارشاد کند، نظارت کند، ولی دخالت هرگز!

# صادرکننده، واردکننده نیست

## بخش سوم:

## نظریات اقتصاددانان

اقتصاددانان کشور در برخورد با سیاست‌های جدید ارزی و پولی، مقررات صادرات و واردات و دیگر زمینه‌های اقتصادی عقاید و نظریات متفاوتی دارند.

این عقاید و نظریات را جویا شدیم. دکتر رئیس‌دانا اقتصاددان برجسته نظریات خود را در این زمینه‌ها به صورت مقاله‌ای نوشته که مستقلاً و در پایان این بخش چاپ شده است. دکتر انور خامه‌ای نیز نظریات جامع و فراگیری در زمینه شرایط اقتصادی جاری و از جمله سیاست‌های بهینه ارزی، صادراتی و

وارداتی ارائه کرده که آن هم مستقلاً چاپ شده است. ذیلاً هم نظریه‌های دو کارشناس اقتصادی در ادامه گزارش اصلی این شماره آمده است.

آقای دکتر علی‌محمد بنکدارپور گفته است: ظاهراً هدف از اجرای تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز ایجاد محدودیت برای واردات بیرویه کالا بود که ظاهراً به این هدف هم رسیده‌اند.

اما مسأله‌ای که در این مقررات جلب توجه می‌کند موضوع سپردن پیمان ارزی است. می‌دانیم که در سال گذشته سپردن پیمان ارزی را لغو کردند و حالا نتیجه آن تصمیم ظاهر شده است، زیرا چون پیمان ارزی وجود نداشته ارز حاصل از صادرات در بازار دست به

دست می‌گردد و شاید هم بخشی از آن به مصرف واردات قاچاق می‌رسد. همین حالا هم بسیاری از این کالاهای قاچاق از دوی به کشورمان سرازیر است و چون باید برای خرید آنها ارز پرداخت شود الزاماً از همین ارزهای صادراتی استفاده می‌شود.

باتک مرکزی تلاش می‌کند تا این ارزهای صادراتی به سیستم بانکی وارد شود و به مصرف واردات مواد اولیه و لوازم یدکی و نظایر آن برسد ولی هنوز نتوانسته‌اند مکانیزمی کارساز ایجاد کنند تا صادرکننده اجباراً ارز صادراتی را به سیستم بانکی بسپارد یا آنکه خود برای واردات کالاهای اجناس اساسی یا سرمایه‌ای بهره بگیرد.

در مورد تأثیر این مقررات بر

صادرات معتقد که تدوین و تنظیم این مقررات برای صادرکننده مسأله‌ای به وجود نمی‌آورد. چون صادرکننده می‌تواند ارز را در خارج از مرزها نگاه‌داری کند و گاهی هم گرانتر از بازار تهران بفروشد.

هدف از اتخاذ این سیاستها شاید بسیج صادرات غیرنفتی بوده است، اما می‌گویند بخشی از فرش‌های صادراتی ما، به دلیل نوسانات ناهنگام و کاهش بهای دلار در اروپا برگشت خورده است.

برای افزایش صادرات غیرنفتی اگر شیوه‌های دیگری به کار گرفته شود ممکن است که اثرات بهتری داشته باشد. چون بعد از فرش بزرگترین رقم صادرات غیرنفتی ما را محصولات